

Analysis of goodness metaphor in Menog-ī-Xerad and Golestan-e-Sa'di using cognitive approach

Anahita Partovi^{*}, Hossein Ghasemi^{}**

Morad Bagherzadeh Kasmani^{*}**

Abstract

Mēnōg-ī-Xerad is a text, written in middle Persian, that contains a series of questions asked by Dana and answered by Mēnōg-ī-Xerad. Golestan-e-Sa'di is a prosed book that contains an introduction and eight chapters written by Sa'di. Using descriptive-analytical method, the preset study aimed at comparing the frequency of goodness metaphors in these two texts. Goodness was the most frequent virtue in these two texts, with 38 occurrences in Mēnōg-ī-Xerad and 17 occurrences in Golestan-e-Sa'di. Analysis revealed 19 names of mapping, such as "Things", "Act" and so on. "Thing", "Act", "State", and "Instrument" were the common names of mapping in the two texts but with different frequencies. [Goodness is a Thing] with 44% occurrences in Mēnōg-ī-Xerad and [Goodness is an Act] with 47% in Golestan-e-Sa'di were the most frequent names of mapping. [Goodness is a Thing] in most cases in Mēnōg-ī-Xerad refers to a constantly moving thing from a person to another or from a place to a person. Perhaps the existence of the name of mapping [goodness is a blessing] in Mēnōg-ī-Xerad is due to Zurvanite fatalistic beliefs that were

* PhD student in Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran, anahitapartovi@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Linguistics, Faculty of Humanities, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran (Corresponding author), hossein_gh@yahoo.com

*** Assistant Professor, Department of English Language, Faculty of Language and Literature, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran, kasmankola@yahoo.com

Date received: 29/01/2021, Date of acceptance: 25/04/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

common in the late Sassanid era. Also, the frequent name of mapping [Goodness is an Act] in Golestan indicates the pragmatic views of its writer.

Keywords: Mēnōg-ī-Xrad, Golestan-e-Sa'di, conceptual metaphor, goodness, name of mapping.



تحلیل استعاره نیکی در مینوی خرد و گلستان سعدی، با رویکرد شناختی

آناهیتا پرتوی*

حسین قاسمی**، مراد باقرزاده کاسمانی***

چکیده

مینوی خرد متنی به زبان فارسی میانه و شامل پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که «دانا» نامی از مینوی خرد می‌پرسد و وی، به آن‌ها پاسخ می‌دهد. گلستان سعدی، کتابی مشتمل بر دیباچه و هشت باب به قلم سعدی است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و هدف از آن مقایسه استعاره مفهومی نیکی در این دو متن است. نیکی با ۵۰ مورد رخداد در مینوی خرد و با ۱۸ مورد رخداد در گلستان از پربسامدترین فضایل اخلاقی است. پس از استخراج تمامی نام‌نگاشت‌های نیکی در دو متن، ۱۸ نام‌نگاشت مانند شیء، عمل و... برای مفهوم نیکی یافت شد. نام‌نگاشت‌های شیء، عمل، حالت و ویژگی با تفاوت بسامد، در هر دو متن مشترک بود. پربسامدترین نام‌نگاشت‌ها [نیکی شیء است] با ۴۴٪ در مینوی خرد و [نیکی عمل است] با ۳۹٪ در گلستان مشاهده شد. [نیکی شیء است] در غالب موارد در مینوی خرد، دلالت بر یک شیء دائمی

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران، anahitapartovi@yahoo.com

** استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران (نویسنده مسئول)، hossein_gh53@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبان و ادبیات، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران، kasmankola@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

در حال حرکت دارد. شاید وجود نام نگاشت [نیکی موهبت است] در مینوی خرد، نشان از تفکر تقدیرگرایی زروانی رایج در اواخر دوره ساسانی داشته باشد. همچنین شاید بسامد بالای نام نگاشت [نیکی عمل است] در گلستان، نشان از عملگرایی نگارنده گلستان دارد.

کلیدواژه‌ها: مینوی خرد، گلستان سعدی، استعاره مفهومی، نیکی، نام نگاشت.

۱. مقدمه

داستان مینوی خرد (احکام و آراء ذات عقل) یا مینوی خرد کتابی است به زبان پهلوی (فارسی میانه) شامل یک مقدمه و ۶۲ پرسش که هر یک با سوالی از «دانا» آغاز می‌شود و مینوی خرد [مینو به معنی «ذات» و «اصل» و «باطن»] (دالوند، یاسر ۱۳۹۹: ۲۶) به آن پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. مینوی خرد مثل دیگر کتب کهن ایرانی منبع پند و اندرز است. گلستان نوشته شاعر و نویسنده پرآوازه ایرانی سعدی شیرازی است. به باور بسیاری، گلستان تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است که به نثر مسجع (آهنگین) با یک دیباچه و هشت باب به نثر نوشته شده است. بیشتر نوشته‌های آن کوتاه و به شیوه داستان‌ها و پندهای اخلاقی و اندرزی و در ۶۵۶ هجری قمری، نگاشته شده است. (مصاحب، غلامحسین: ۱۳۵۶)

در پژوهش حاضر سعی می‌شود تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی استعاره‌های مفهومی نیکی در دو کتاب مینوی خرد و گلستان سعدی پرداخته شود. ابتدا به روش کتاب‌خانه‌ای به شرح نظریه استعاره معاصر و مفاهیم مطرح در این حوزه پرداخته می‌شود و سپس استعاره‌های مفهومی مضمون اخلاقی نیکی بعنوان پربسامدترین فضیلت اخلاقی یافت شده در این دو متن، با تمرکز بر چگونگی مفهوم‌سازی، مورد بررسی قرار گیرد.

۲. طرح مسئله

هدف از این پژوهش بررسی استعاره‌های مضمون اخلاقی «نیکی» در دو اندرزنامه مینوی خرد (اندرزنامه پیش از اسلام) و گلستان سعدی (اندرزنامه پس از اسلام) با رویکرد شناختی است. زبان‌شناسی شناختی جایگاه ویژه‌ای در علوم شناختی دارد چراکه در این علم از طریق زبان به بررسی کارکردهای شناختی و فرآیندهای پنهان ذهن

پرداخته می شود. لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson) (۲۰۰۳) با کشف نظام گسترده‌ای از استعاره‌های روزمره و متعارف امکان ایجاد نظریه معاصر استعاره را فراهم ساختند که در آن تفکر و ذهن دارای ماهیت استعاری است. در این قالب مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می شود، یعنی ذهن انسان مفاهیم انتزاعی (حوزه مقصد) را با بهره‌گیری از مفاهیم عینی (حوزه مبداء) درک می کند. در این پژوهش روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های این پژوهش، می‌تواند با در نظر گرفتن چگونگی مفهوم‌سازی حوزه‌های استعاره اخلاقی نیکی و همچنین فراوانی‌های آن، شیوه تفکر و نگرش دو اندرزنامه نویس پیش و پس از اسلام را به این مقوله مشخص نماید.

۳. پیشینه تحقیق

در زمینه مفاهیم اخلاقی چه در متون مذهبی و چه در ادبیات فارسی مطالعات بسیار گسترده‌ای صورت گرفته است که به بیان برخی از آن‌ها پرداخته می شود. فضائی و ابراهیمی (۱۳۹۳) تحقیقی که با هدف بررسی چگونگی مفهوم‌سازی «غم» در اشعار مسعود سعد سلمان انجام داده اند. مرادی و پیرزاد (۲۰۱۴) مفهوم «خشم» در دو زبان انگلیسی و فارسی که از نظر رده‌شناختی دو زبان متفاوتند، طبق نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مورد توجه قرار داده اند. ملکیان و ساسانی (۱۳۹۳) مفهوم‌سازی «خشم» را در زبان فارسی به کمک سازوکار شناختی استعاره مورد بررسی قرار داده‌اند. تباری (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود ضمن توضیح در ارتباط با زبان‌شناسی شناختی و همچنین زبان‌شناسی پیکره‌ای به استعاره‌های مفهومی پرداخته است. حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۴) به بررسی استعاره‌های شناختی «خشم و کینه» در پنج داستان از شاهنامه فردوسی پرداختند. قاسمی (۱۳۹۴) به بررسی استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری واژه «غم» در اشعار فریدون مشیری پرداخته است.

مولودی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی مفهوم سازی استعاری «خشم» در زبان فارسی براساس نظریهٔ استعارهٔ مفهومی می پردازند.

بختیاری و سراج (۱۳۹۵) استخراج حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های مفهومی در شاهنامهٔ فردوسی و بررسی تطبیقی با حوزه‌های مبدأ و مقصد رایج، بر اساس دیدگاه کووچش (۲۰۱۰) را انجام داده‌اند.

دیلمقانی (۱۳۹۵) که با بررسی تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی و باتوجه‌به نظریهٔ استعارهٔ مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و دستاوردهای مطالعات در زمانی و درون فرهنگی و قومی به ویژه کووچش (۲۰۱۰) تغییرات تاریخی استعاره‌های مفهومی در حوزهٔ مبدأ، مقصد و نگاشت‌ها را از متن کتاب سمک عیار قرن ششم هجری عنوان کرده است. در این تحلیل عواطفی چون شادی، خشم، غم، شرم، ترس، عشق، حیرت، نگرانی و درد با حوزه‌های مبدأ نگاشت شدند.

قوچانی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی استعاره‌های مفهومی «ترس» با رویکردی شناختی و پیکره‌ای پرداخته‌اند و از تحلیل داده‌ها مشخص شد که حوزه‌های مبدأ «ماده»، «نیرو» و «حرکت» که پربسامدترین نام‌نگاشت آن مربوط به فعل حرکتی لرزیدن بود، بیشترین فراوانی را در مفهوم‌سازی حوزهٔ «ترس» نزد فارسی‌زبانان دارند.

همتی و همکاران (۱۳۹۵) نویسندگان این مقاله در چارچوب نظریهٔ استعارهٔ مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰) حرکت استعاری را در پیکره‌ای مشخص از زبان فارسی موردبررسی قرار دادند که یافته‌های این پژوهش نشان دادند که به ترتیب مفاهیم انتزاعی افکار، زمان و عواطف پربسامدترین مفاهیمی بودند که در زبان فارسی از طریق حوزهٔ مبدأ حرکت بیان می‌شدند.

عشرت تقفی، مصطفی عاصی، آریتا افراشی (۱۳۹۶) که مفهوم شجاعت در زبان فارسی درطول زمان را تحلیل نموده‌اند.

شریفی مقدم و آزادیخواه و ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۶) به بررسی و مقایسهٔ استعاره‌های مفهومی شادی و غم در سروده‌های شاعرهٔ معاصر پروین اعتصامی (۱۳۲۰-۱۲۸۵) پرداخته‌اند.

تحلیل استعاره نیکي در مینوی خرد و ... (آناهیتا پرتوی و دیگران) ۸۳

حسین قاسمی، محمد عارف امیری، نادیا حاجی پور و آناهیتا پرتوی (۱۳۹۶) در مقاله «استعاره مفهومی "غم" در اشعار ملاعلی فاخر» به بررسی استعاره مفهومی غم در اشعار ملاعلی فاخر پرداخته اند.

سراج، بختیاری (۱۳۹۷) با رویکرد شناختی به بررسی استعاره های مفهومی اخلاق در شاهنامه فردوسی پرداخته اند.

فاطمه کوشکی، مصطفی عاصی، آزیبا افراشی (۱۳۹۸) که به بررسی روند مفهوم سازی «عشق و نفرت» بر مبنای دو پیکره تاریخی و معاصر داده های زبان فارسی پرداخته اند. آناهیتا پرتوی، سهیل سعادت نیما و نادیا حاجی پور (۱۳۹۸) در مقاله «استعاره های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه» به بررسی استعاره غم در اشعار ملاعلی فاخر و مسعود سعد سلمان پرداخته اند.

به نظر می رسد انجام پژوهش استعاره مفهومی نیکي بر روی متون اندرزی و مقایسه یک متن کهن مشور اندرزی پیش از اسلام به زبان فارسی میانه (مینوی خرد) با یک متن مشور اندرزی پس از اسلام (گلستان سعدی) کاری نو باشد. به نظر می رسد انجام چنین پژوهشی بر روی یک متن کهن اندرزی به زبان فارسی میانه به روش شناختی، پژوهشی نو باشد.

به نظر می رسد انجام چنین پژوهشی بر روی یک متن کهن اندرزی مشور به زبان فارسی میانه به روش شناختی، پژوهشی نو باشد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده ها به شیوه کتابخانه ای گردآوری شده است. نیکي با ۵۰ مورد رخداد در مینوی خرد و با ۱۸ مورد رخداد در گلستان از پر بسامدترین فضایل اخلاقی در این دو متن است. برای مقایسه و تحلیل، تمامی نام نگاشت های مفهوم نیکي در دو متن استخراج شدند. ۱۴ نام نگاشت در مینوی خرد عبارت بودند از: تقدیر، جایگاه و موقعیت، حالت و وضعیت، سهم، شیء، عقیده، علم، عمل، فکر و اندیشه، محصول، مظهر، موهبت، وسیله و ویژگی و ۹ نام نگاشت در گلستان سعدی عبارت بودند از: خصلت، زیورآلات، سخن، سرمایه و اندوخته، شهرت، شیء، عمل، وسیله و وضعیت.

شایان ذکر است شاید بسامد بالای نیکی در مینوی خرد به این دلیل مشاهده شده است که در پهلوی سه واژه نیکی (nīkīh)، بهی (wehīh) و فرارونی (frarōnīh) را می‌توان به معنای نیکی در نظر گرفت و هر مورد از این سه واژه که در معنای نیکی به کار برده شده بود به نیکی افزوده شد و در نتیجه واژه نیکی به تکرار ۵۰ مورد رسیده است. هم‌چنین لازم به ذکر است در بعضی موارد در یک بند چند حوزه مبدا با استفاده از حروف ربط برای توصیف حوزه مقصد بکار رفته‌اند و در این موارد برای یک بند بیش از یک نام‌نگاشت ارائه شده است. به عنوان مثال در جمله:

چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد.

نیکی به صورت حذف به قرینه در تمام جمله مستتر است یعنی جمله فوق قابل تقسیم به چهار جمله زیر است

۱- نیکی به کام مردمان نیست ۲- نیکی به کردار مردمان نیست ۳- نیکی به تقدیر سپهر است و ۴- نیکی به کار ایزدان است.

لازم به ذکر است در بعضی موارد در یک بند چند حوزه مبدا با استفاده از حروف ربط برای توصیف حوزه مقصد بکار رفته‌اند و در این موارد برای یک بند بیش از یک نام‌نگاشت ارائه شده است. به عنوان مثال در جمله: چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد.

برای تحلیل می‌توان این جمله را به چند جمله زیر تبدیل کرد:

(چه نیکی به کام (= اراده، خواست) مردمان نیست ← محصول

چه نیکی به کردار مردمان نیست ← محصول

چه نیکی به تقدیر سپهر باشد ← تقدیر

چه نیکی به کار ایزدان باشد ← محصول)

حوزه مبدا محصول برای نیکی در جمله "چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد." سه بار در نظر گرفته شده است که در جمله نیکی به کام یعنی اراده و خواست مردمان نیست، نیکی محصولی است که به اراده و خواست مردم نیست بلکه به اراده و خواست ایزدان و تقدیر

سپهر است و در جمله چه نیکی به کردار مردمان نیست، نیکی محصولی در نظر گرفته شده است که به تقدیر سپهر و کار ایزدان قابل دستیابی است نه به کردار مردمان و در جمله چه نیکی به کار ایزدان باشد، نیکی محصولی است که نه به کردار مردمان بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان حاصل میشود.

برگردان فارسی متن پهلوی مینوی خرد که در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، مینوی خرد ترجمه دکتر (تفضلی: ۱۳۵۴) است.

۵. مبانی نظری

به اعتقاد لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۸) شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبانی استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی دارای نقش اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی است و از آنجا که این نظام ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۶). استعاره از دید ایشان صرفاً ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و نوعی آرایه ادبی نیست (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳) بلکه جوهره اصلی استعاره تجربه و فهم یک چیز به وسیله چیزی دیگر است (همان: ۵). لیکاف و جانسون معتقدند از آنجا که مفاهیم و فعالیت‌های (کنش‌های) ما به صورتی استعاری ساختار یافته اند در نتیجه زبان ما نیز به شیوه‌های استعاری ساختار یافته است. ما به ندرت از استعاره‌های از پیش انگاشته شده در کاربرد روزمره زبانمان آگاهی داریم؛ این استعاره‌ها صرفاً درون واژه‌هایی که به کار می‌بریم وجود ندارند بلکه در مفاهیمی که به صورت روزمره از آنها استفاده میکنیم نیز حضور دارند. ما در مورد یک چیز به شیوه‌ای خاص صحبت می‌کنیم زیرا در واقع آن را به همان صورت تصور می‌کنیم و این فرایند به همین صورت دست‌به‌دست می‌شود تا به شیوه عملکرد ما می‌رسد. (همان، ۵-۷).

استعاره‌های مفهومی سازوکارهای ذهنی‌اند و همگی آنها بازنمود زبانی نمی‌یابند بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر میشوند (کووچش، ۲۰۱۰: ۶۳). کووچش نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون را به این صورت خلاصه کرده است:

۱. استعاره خاصیتی مربوط به مفاهیم است و نه واژه‌ها

۲. نقش استعاره فهم بهتر مفاهیمی خاص است و نه صرفاً آفرینش های ادبی و زیبایی‌شناختی

۳. استعاره‌ها اغلب بر مبنای شباهت به وجود نیامده‌اند

۴. استعاره روزانه و بدون صرف زحمت توسط افراد عادی به کار گرفته می‌شود و نه فقط توسط افرادی با استعداد های ویژه

۵. استعاره بجای آنکه نوعی زینت زبانی زائد باشد، نوعی فرایند گریزناپذیر تفکر و استدلال انسان است. (کووچش، ۲۰۱۰).

جالب ترین پژوهش معناشناسان شناختی به تحقیق درباره استعاره باز می‌گردد. در پژوهش هایی نظیر لیکاف و جانسون، بر این نکته تأکید شده است که استعاره، عنصری بنیادین در مقوله بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن ماست و به ساخت های بنیادین دیگری از قبیل «طرحواره‌های تصویری» یا «فضاهای ذهنی»، و جز آن مربوط می‌شود (صفوی، ۱۳۸۳).

نظریهٔ امروزی استعاره معتقد است که استعاره‌ها شباهت ایجاد می‌کنند و این برخلاف نظریهٔ سنتی استعاره یا همان نظریهٔ مقایسه است. نظریهٔ مقایسه مدعی است که الف. استعاره‌ها مسائلی زبانی اند و نه مرتبط با تفکر یا عمل. ب. استعارهٔ الف، ب است، عبارتی زبانی است و در واقع مثل این است که بگوئیم الف، شبیه ب است. ج. استعاره تنها به توصیف شباهت‌های از پیش موجود می‌پردازد و خود سازندهٔ شباهت نیست. اما نظریهٔ معاصر استعاره معتقد است که الف- استعاره عمدتاً مربوط است به تفکر و عمل و تنها از نظر اشتقاق مسئله‌ای زبانی است، ب- استعاره‌ها می‌توانند بر پایهٔ شباهت‌ها باشند هرچند در بسیاری موارد شباهت‌ها خود بر مبنای آن نوع استعاره‌های قراردادی هستند که بر مبنای شباهت شکل نگرفته‌اند. ج- وظیفهٔ اصلی استعاره فراهم نمودن درک نسبی از یک نوع تجربه بر اساس نوع دیگر تجربه است. این امر ممکن است مستلزم شباهت‌های مجزای قبلی باشد یا بر اساس شباهت‌های جدید (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰).

نگاشت، مفهوم اصلی در نظریه استعاره‌های مفهومی است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارد. لیکاف الگوهای ثابتی نظیر [عشق سفر است] را نام‌نگاشت می‌نامد که در واقع باز نمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است و نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای

موجود بین دو طرف استعاره می‌داند. (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۷ و ۶۸). نام‌نگاشت [عشق سفر است] از حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق تشکیل شده است. به این ترتیب با توجه به گفته لیکاف (۱۹۹۳: ۲۱۲) مبنی بر اینکه: «هر نگاشت الگویی ثابت از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است» در این استعاره یک تناظر نظام‌مند و هستی‌شناختی بین آنچه در حوزه مقصد است با آنچه در حوزه مبدأ است وجود دارد.

۱.۵ معنی‌شناسی شناختی

اصطلاح معنی‌شناسی شناختی نخستین بار از سوی لیکاف مطرح شد. بر اساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. لیکاف بر خلاف افرادی چون فودور و چامسکی، رفتار زبانی را بخشی از استعدادهای شناختی انسان می‌داند؛ استعدادهایی که برای آدمی امکان یادگیری، استدلال و تحلیل را فراهم می‌آورند. در این دیدگاه، «دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است» (صفوی، ۱۳۸۳).

در معنی‌شناسی شناختی، معنی بر ساخت‌های تصویری و مفهومی قراردادی استوار است؛ از این‌رو ساخت معنی، مانند سایر حوزه‌های شناختی، بازتاب «مقوله ذهنی» است که افراد در حین رشد از تجارب و اعمال خود به آن شکل می‌دهند. در ادبیات معنی‌شناسی شناختی، ساخت‌ها و فرایندهای تصویری زیادی شناسایی شده‌اند، اما به استعاره توجه ویژه‌ای شده است (سعید، ۱۹۹۷).

۶. بحث و بررسی

۱.۶ ترجمه و تحلیل نیکی (فضیلت) در مینوی خرد با توجه به سطر و صفحه

۱/۲۸: چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد.

برای تحلیل می‌توان این جمله را به چند جمله زیر تبدیل کرد:

(چه نیکی به کام (=آراده، خواست) مردمان نیست ← محصول

چه نیکی به کردار مردمان نیست ← محصول

چه نیکی به تقدیر سپهر باشد ← تقدیر

چه نیکی به کار ایزدان باشد ← محصول

حوزه مبدا محصول برای نیکی در جمله "چه نیکی و آراستگی و ثروت و قدرت و هنر و شایستگی به کام و کردار مردمان نیست بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان باشد"، سه بار در نظر گرفته شده است که در جمله نیکی به کام یعنی اراده و خواست مردمان نیست، نیکی محصولی است که به اراده و خواست مردم نیست بلکه به اراده و خواست ایزدان و تقدیر سپهر است و در جمله چه نیکی به کردار مردمان نیست، نیکی محصولی در نظر گرفته شده است که به تقدیر سپهر و کار ایزدان قابل دستیابی است نه به کردار مردمان و در جمله چه نیکی به کار ایزدان باشد، نیکی محصولی است که نه به کردار مردمان بلکه به تقدیر سپهر و کار ایزدان حاصل می‌شود.

در جمله "چه نیکی به تقدیر سپهر باشد" حوزه مبدا تقدیر را میتوان برای نیکی در نظر گرفت که به تقدیر سپهر و کار ایزدان به مردمان عطا خواهد شد. با بررسی تحلیل‌های به دست آمده از این جمله، شاید بتوان گفت نوعی اعتقاد به تقدیر در این جمله وجود دارد.

۱/۷۲: و برای این که نیکی به آدمی برسد، سپاسگزاری بهتر است. در جمله فوق نیکی به عنوان شیء ای در نظر گرفته شده است که قابل تقسیم بین افراد است.

۱/۸۷: و در سالاری، نیکان را به نیکی و بدان را به بدی شناختن و نیکان را پاداش دادن و بدان را سرزنش کردن بهتر است. در جمله بالا، نیکان را به نیکی شناختن مانند وسیله در نظر گرفته شده است.

۱/۹۸: به هیچ نیکی گیتی تکیه مکن. نیکی شیء است که می‌توان به آن تکیه داد. (تکیه گاه)

۳/۷: و ششم برای هرکسی نیکی آرزو کردن. نیکی در اینجا مانند موهبتی است که می‌توان آنرا برای دیگری آرزو کرد. ۶/۵: و پارسایان را در بهشت وضع چه و نیکی از چیست. نیکی در اینجا محصول است.

- ۷/۵: و هر نیکی و بدی به مردمان و آفریدگان دیگر چگونه رسد نیکی را می‌توان به صورت شیء در حال حرکت در نظر گرفت که از منشاء خیر به سمت مردمان می‌رسد.
- نیکی را می‌توان به صورت شیء در حال حرکت در نظر گرفت که از منشاء خیر به سمت آفریدگان می‌رسد.
- ۷/۱۷: هر نیکی و بدی که به مردمان و نیز به آفریدگان دیگر می‌رسد از هفتان (=هفت سیاره) و دوازدهان (=دوازده برج) می‌رسد
- نیکی مانند شیء در حال حرکت به مردمان می‌رسد و نیکی مانند شیء در حال حرکت به آفریدگان می‌رسد.
- ۷/۲۳: و اهریمن را آزار و بدی آرزوست و هیچگونه نیکی نیندیشد و نپذیرد در جمله فوق در حقیقت دو جمله اهریمن نیکی نیندیشد و اهریمن نیکی نپذیرد وجود دارد، که در جمله نیکی نیندیشد در حقیقت نیکی فکر یا اندیشه‌ای در ذهن است. و نیکی نپذیرد، نیکی مانند شیء ارزشمند است.
- ۹/۶: و اورمزد درستی اندیشد و کارش کار نیک و نیکی و راستی است نیکی در اینجا عمل نیک یا کار نیک انجام دادن است، پس نیکی در این جمله، عمل است.
- ۹/۸: گوهر نیک را به هیچ وسیله به بدی و گوهر بدی را به هیچ طریقه به نیکی نمی‌توان برگردانید
- در جمله «گوهر بدی را به نیکی نمیتوان برگردانید»، نیکی شیء است که می‌تواند از شکلی به شکل دیگر تبدیل شود.
- ۹/۱۰: و اهرمن به سبب بد گوهری هیچ نیکی و راستی را نپذیرد در عبارت «اهریمن هیچ نیکی را نپذیرد»، نیکی شیء ارزشمندی است.
- ۱۰/۲: که خرد بهتر است یا هنر یا نیکی؟
- نیکی ویژگی است.
- ۱۰/۴: که خردی که با آن نیکی نیست آن را خرد نباید شمرد
- نیکی جزئی از خرد است پس نیکی شیء است.

- ۱۱/۵: و آفریدگار اورمزد همه نیکی این آفریدگان را به عهده مهر و ماه و آن دوازده برج که در دین دوازده سپاهبند نامیده شده اند، سپرد در جمله «آفریدگار اورمزد همه نیکی این آفریدگان را به عهده مهر و ماه و آن دوازده برج سپرد» نیکی شیء است که به عهده مهر و ماه و سپرده شده است.
- ۱۱/۷: پس اهرمن آن هفت سیاره را که هفت سپاهبند اهرمن نامیده‌اند برای برهم زدن و ربودن آن نیکی از مخلوقات اورمزد و برای مخالفت با مهر و ماه و آن دوازده برج آفرید «اهریمن آن هفت سیاره را برای برهم زدن آن نیکی آفرید»، نیکی در این عبارت، شیء در نظر گرفته می‌شود و
- در جمله «اهریمن آن هفت سیاره را برای ربودن آن نیکی آفرید»، نیکی به شیء ای مانند شده که ارزش ربوده شدن دارد.
- ۱۵/۲۱: و نیکی مرد در خشم و خرد مرد در شهوت بدی انگیز <آشکار می‌شود> پس نیکی مرد یک شیء پنهان است که در هنگام خشم آشکار می‌شود (در، به معنای هنگام است).
- ۱۵/۳۷: چه از به اندازه خوردن می این چند نیکی بدو رسد در عبارت «این چند نیکی بدو رسد» نیکی شیء در حال حرکت است که به شخص می‌رسد.
- ۱۵/۴۴: و نیکی در اندیشه جای گیرد نیکی مظلومی است که در ظرف اندیشه جای می‌گیرد.
- ۲۰/۱۳: و هر دروجی به تن او چنان جایگزین شود که در تن او هیچ نیکی را راه ندهد در عبارت فوق نیکی شیء در حال حرکت است.
- ۲۱/۴: که با کوشش آن نیکی را که مقدر نشده است، نمیتوان به دست آورد در جمله بالا، نیکی شیء است.
- ۲۲/۵: چه هنگامی که تقدیر برای نیکی یا بدی فرا رسد دانا در کار گمراه و نادان کاردان <شود>
- نیکی تقدیر است.

تحلیل استعاره نیکی در مینوی خرد و ... (آناهیتا پرتوی و دیگران) ۹۱

۲۳/۸: اما ایزدان آن بخشش را بدین سبب کمتر می‌کنند و به مینو آن را آشکار می‌کنند که اهرمن بدکار به آن بهانه به نیروی هفت سیاره خواسته و نیز هر نیکی دیگر را از نیکان و شایستگان می‌دزدد و به بدان و ناشایستگان بیشتر می‌بخشد

هر نیکی دیگر را از نیکان و شایستگان می‌دزدد، نیکی شیء است.

<هر نیکی> به بدان و ناشایستگان بیشتر می‌بخشد، نیکی شیء است.

۲۶/۳: و از نیکی بیشتر بهره یافتند؟

از نیکی بهره یافتن، نیکی سهم است.

۲۶/۹: که آنچه در مورد ایشان از جهت نیکی یا بدی می‌پرسی، آگاه باش و بدان ...

از جهت نیکی می‌پرسی، نیکی یک ویژگی است.

۲۶/۱۳: که سرانجام آن نیکویی که از ایشان بایست به آفریدگان اورمزد می‌رسید،

رسیده است

نیکی موهبت است.

۳۲/۱۶: و آن سرزمینی بدتر است که به نیکی و ایمنی و آسایش در آن نتوان زیست

نیکی را می‌توان حالت و وضعیت در نظر گرفت.

۳۶/۸: و پنجم آرزوی نیکی کردن به نیکان و درست بودن نسبت به هرکس

نیکی، عمل است.

۳۶/۱۷: و چهاردهم کسی که نیک چشمی نیکان را خواهد و [خود] نیز نسبت به نیکویی

که در نیکان می‌بیند نیک چشم باشد

نیکویی که در نیکان می‌بیند - نیکی شیء قابل رویت است.

- نیکان ظرف و نیکی مظروف است.

۳۶/۳۰: و بیست و هفتم کسی که خود نیکی کند و به دیگران نیز تعلیم نیک دهد

نیکی، عمل است و در حنیکی را < به دیگران نیز تعلیم نیک دهد، نیکی علم است.

۳۷/۲: که چرا نیکی گیتی را بنابر شایستگی به هر کسی قسمت نمیکنند ولی روان را در

جهان دیگر بنابر شایستگی کردارش مواخذه میکنند

نیکی قسمت نمیکنند نیکی، سهم است.

- ۴۱/۶: مردم آن باشد که به آفریدگاری اورمزد و نابودکنندگی اهرمن و بودن رستاخیز و تن پسین و نیز به هر نیکی و بدی دیگری که در گیتی و مینو است بی گمان باشد به هر نیکی که در گیتی و مینو است، بی گمان باشد؛ نیکی عقیده است. ۴۳/۲۵: و نیکی‌اش این است که زندگی مردم در آنجا سیصد سال است نیکی در اینجا ویژگی است.
- ۵۰/۵: که مرد کاهل و نادان و بد هنگامی که بخت با او یار شود، کاهلیش به کوشش همانند شود و نادانیش به دانایی و بدیش به نیکی بدیش به نیکی همانند شود، نیکی شیء شبیه شیء دیگر است. ۵۱/۲: که پرستش ایزدان و سپاسگزاری از نیکی ایزدان را چگونه باید کرد نیکی موهبت است.
- ۵۱/۱۵: و به این بیگمان بودن که ایزدان به مردمان، گذشته از نیکی، هیچ‌گونه بدی ندهند و اهرمن و دیوان، گذشته از بدی هیچگونه نیکی ندهند. نیکی در اینجا شیء است که از سوی ایزدان به مردمان داده می‌شود. ۵۶/۳۲: این نیز پیدا است که مرد نادان بدخیم اگر هم بسیار به احترام و توان‌گری و قدرت برسد، با این همه نباید برای آن نیکی و قدرت بدو احترام گزارد نیکی، جایگاه و موقعیت است.
- ۵۹/۲: که انسان به نیکی و بدی کدامیک شناخته‌تر است به نیکی شناختن، نیکی ویژگی است.
- ۵۹/۱۳: (که آن کسی که کارش با نیکان است، نیکی پذیرد.) و آن که کارش با بدان است، بدی. نیکی، ویژگی است.
- ۶۲/۴-۵: که نسبت به ایزدان سپاسگزار بودن و برای همه نیکی آرزو کردن نیکی آرزو کردن، نیکی موهبت است.
- مفهوم سازی "نیکی" در مینوی خرد به ۱۴ صورت: شیء، ویژگی، عمل، موهبت، محصول، سهم، مظهر، تقدیر، وسیله، فکر و اندیشه، جایگاه و موقعیت، حالت و وضعیت، علم و عقیده مشاهده شد.

مفهوم سازی "نیکی" به صورت [نیکی شیء است] با ۴۴٪، بیشترین رخداد را در مینوی خرد داشته است که مواردی از آن‌ها شیء به تنهایی بوده و در مواردی دیگر این شیء موارد کاربردی داشته مانند ۱- شیء‌ای که پاداش است ۲- شیء‌ای که تکیه‌گاه است ۳- شیء در حال حرکت ۴- شیء‌ای که از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود ۵- شیء بارزش ۶- شیء‌ای که ارزش ربوده شدن دارد ۷- شیء‌ای که از سوی ایزدان به مردمان داده می‌شود ۸- شیء در حال حرکت که به شخص می‌رسد ۹- شیء پنهان

[نیکی ویژگی است] با ۱۱٪ کاربرد در جایگاه دوم قرار دارد و [نیکی محصول است]، [نیکی موهبت است] و [نیکی عمل است] با ۸٪ کاربرد در رتبه سوم قرار دارد. در رتبه چهارم [نیکی تقدیر است]، [نیکی مظروف است] و [نیکی سهم است] با هر کدام ۴٪ کاربرد قرار دارند و کمترین کاربرد یعنی ۲٪ استفاده به موارد زیر اختصاص داشت: [نیکی جایگاه و موقعیت است]، [نیکی عقیده است]، [نیکی علم است]، [نیکی حالت و وضعیت است]، [نیکی فکر یا اندیشه است] و [نیکی وسیله است]. (جدول ۱) (نمودار ۱)

۲.۶ تحلیل نیکی (فضیلت) در گلستان سعدی با توجه به حکایت، باب و صفحه

نیکی

حکایت (۲)، باب اول، ص ۵۱:

خیری کن ای فلان و غنیمت شمار عمر زان پیشتر که بانگ برآید فلان نماند

در جمله فوق، خیر عمل است.

حکایت (۱۰)، باب اول، ص ۷۹: هر آن که تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت

دماغ بیهده پخت و خیال باطل بست

نیکی ویژگی است.

حکایت (۱۷)، باب اول، ص ۱۰۰: تنی چند از روندگان در صحبت من بودند ظاهر

ایشان بصلاح (نیکی) آراسته و یکی را از بزرگان در حق این طایفه حسن ظنی بلیغ و

ادراری معین کرده تا یکی از اینان حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان

ظاهرش به نیکی آراسته بود، نیکی زیورآلات است.

حکایت (۲۰)، باب اول، ص ۱۰۷:

خواهی که خدای بر تو بخشد با خلق خدای کن نکوئی

نکوئی عمل است.

حکایت (۲۴)، باب اول، ص ۱۱۳: ملک زوزن را خواجه ای بود کریم النفس نیک محضر که همگان را در مواجهه خدمت کردی و در غیبت نکوئی گفتی نکوئی سخن و گفتار است.

حکایت (۳۳)، باب اول، ص ۱۳۰:

با بد اندیش هم نکوئی کن دهن سگ بلقمه دوخته به

نکوئی عمل است.

حکایت (۴۱)، باب اول، ص ۱۴۰: گفتا بعون خدای، عزوجل، هر مملکتی را که گرفتم رعیتش نیازردم و نام پادشاهان جز بنکوئی نبردم نام پادشاهان به نیکویی بردن، نکوئی ویژگی است.

حکایت (۳۳)، باب دوم، ص ۲۱۱: وزیر فیلسوف جهان‌دیده حاذق که با او بود گفت: ای خداوند، شرط دوستی آنست که با هر دو طایفه نکوئی کنی، عالمان را زر بده تا دیگر بخوانند و زاهدان را چیزی مده تا زاهد بمانند.

نکوئی عمل است.

حکایت (۴۸)، باب دوم، ص ۲۳۶:

نماند حاتم طائی و لیک تا بابد نماند نام بلندش بنیکوی مشهور

نام بلندش به نیکویی مشهور بماند، نکوئی ویژگی است.

حکایت (۱)، باب چهارم، ص ۳۱۵: یکی را از دوستان گفتم: امتناع سخن گفتنم بعلت آن اختیار آمده است در غالب اوقات که در سخن نیک و بد اتفاق افتد و دیده دشمنان جز بر بدی نمی آید. گفت: دشمن آن به که نیکی نبیند.

نیکی نبیند، نیکی شیء است.

حکایت (۱۰)، باب چهارم، ص ۳۲۴:

امیدوار بود آدمی بخیر کسان مرا بخیر تو امید نیست، شر مرسان

آدمی به خیر کسان امیدوار بود
نیکی خصلت است.

مرا بخیر تو امید نیست، شر مرسان
خیر خصلت است.

حکایت (۱۲)، باب چهارم، ص ۳۲۶: مردم قریه بعلت جاهی که داشت،
بلیتش می کشیدند و اذیتش را مصلحت نمی دیدند، تا یکی از خطبای آن اقلیم که با او
عداوتی نهانی داشت، باری پرسش آمده بودش؛ گفت: ترا خوابی دیده ام، خیر باد
خیر وضعیت است.

حکایت (۵)، باب هفتم، ص ۴۴۶:

نام نکوئی چو برون شد بکوی در نتوانی که ببندی بروی
نکوئی ویژگی است.

حکایت (۲)، باب هشتم، ص ۵۱۶:

آنکس که بدینار و درم خیر نیندوخت سر عاقبت اندر سر دینار و درم کرد
خیر سرمایه و اندوخته است.

حکایت (۲)، باب هشتم، ص ۵۱۷:

شکر خدای کن که موفق شدی بخیر زانعام و فضل او نه معطل گذاشتت
خیر عمل است.

حکایت (۳۲)، باب هشتم، ص ۵۳۹: هر که در حال توانایی نکوئی نکند، در وقت ناتوانی
سختی بیند.

نکوئی عمل است.

حکایت (۳۷)، باب هشتم، ص ۵۴۶:

از بدان نیکوی نیاموزی نکند گرگ پوستین دوزی
نیکوی عمل است.

در جدول ۲، مفهوم سازی "نیکی" در گلستان سعدی به ۸ صورت: عمل، ویژگی، زیورآلات، سخن و گفتار، شیء، خصلت، وضعیت، سرمایه و اندوخته مشاهده شد. مفهوم سازی "نیکی" به صورت [نیکی عمل است] با ۳۹٪، بیشترین رخداد را در پیکره داشته است

[نیکی ویژگی است] با ۲۲٪ کاربرد در جایگاه دوم قرار دارد و [نیکی خصلت است]، ۱۱٪ رخداد داشت. [نیکی زیورآلات است]، [نیکی سخن و گفتار است] و [نیکی سرمایه و اندوخته است] با ۶٪ در رتبه بعدی قرار دارد. [نیکی شیء است] و [نیکی وضعیت است] با ۵٪ در آخرین مرتبه قرار دارند. (جدول ۲) (نمودار ۲).

۷. نتیجه‌گیری

نیکی (frarōnīh, vehīh, nēkīh)

مفهوم سازی "نیکی" در مینوی خرد، به ۱۴ صورت: شیء، ویژگی، عمل، موهبت، محصول، سهم، مظروف، تقدیر، وسیله، فکر و اندیشه، جایگاه و موقعیت، حالت و وضعیت، علم و عقیده با تعداد کل ۵۰ مورد مشاهده شد در حالیکه مفهوم سازی نیکی در گلستان سعدی به ۸ صورت: عمل، ویژگی، زیورآلات، سخن و گفتار، شیء، خصلت، وضعیت، سرمایه و اندوخته و به تعداد کل ۱۸ مورد مشاهده شد.

نام نگاشت‌های [نیکی عمل است]، [نیکی شیء است]، [نیکی ویژگی است] و [نیکی وضعیت است] در مینوی خرد و گلستان مشترک است.

مفهوم سازی "نیکی" به صورت [نیکی شیء است] با ۴۴٪، بیشترین رخداد را در مینوی خرد داشته است که یا شیء به تنهایی بوده و یا این شیء موارد کاربردی داشته مانند ۱- شیء ای که پاداش است ۲- شیء ای که تکیه‌گاه است ۳- شیء در حال حرکت ۴. شیء ای که از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود ۵- شیء با ارزش ۶- شیء ای که ارزش ربوده شدن دارد ۷- شیء ای که از سوی ایزدان به مردمان داده می‌شود ۸- شیء در حال حرکت که به شخص می‌رسد ۹- شیء پنهان، در حالیکه در گلستان سعدی مفهوم‌سازی "نیکی" به صورت [نیکی عمل است] با ۳۹٪، بیشترین رخداد را داشته است.

در مینوی خرد، [نیکی ویژگی است] با ۱۰٪ در جایگاه دوم قرار دارد و در گلستان سعدی نیز [نیکی ویژگی است] با ۲۲٪ در جایگاه دوم قرار دارد. در مینوی خرد

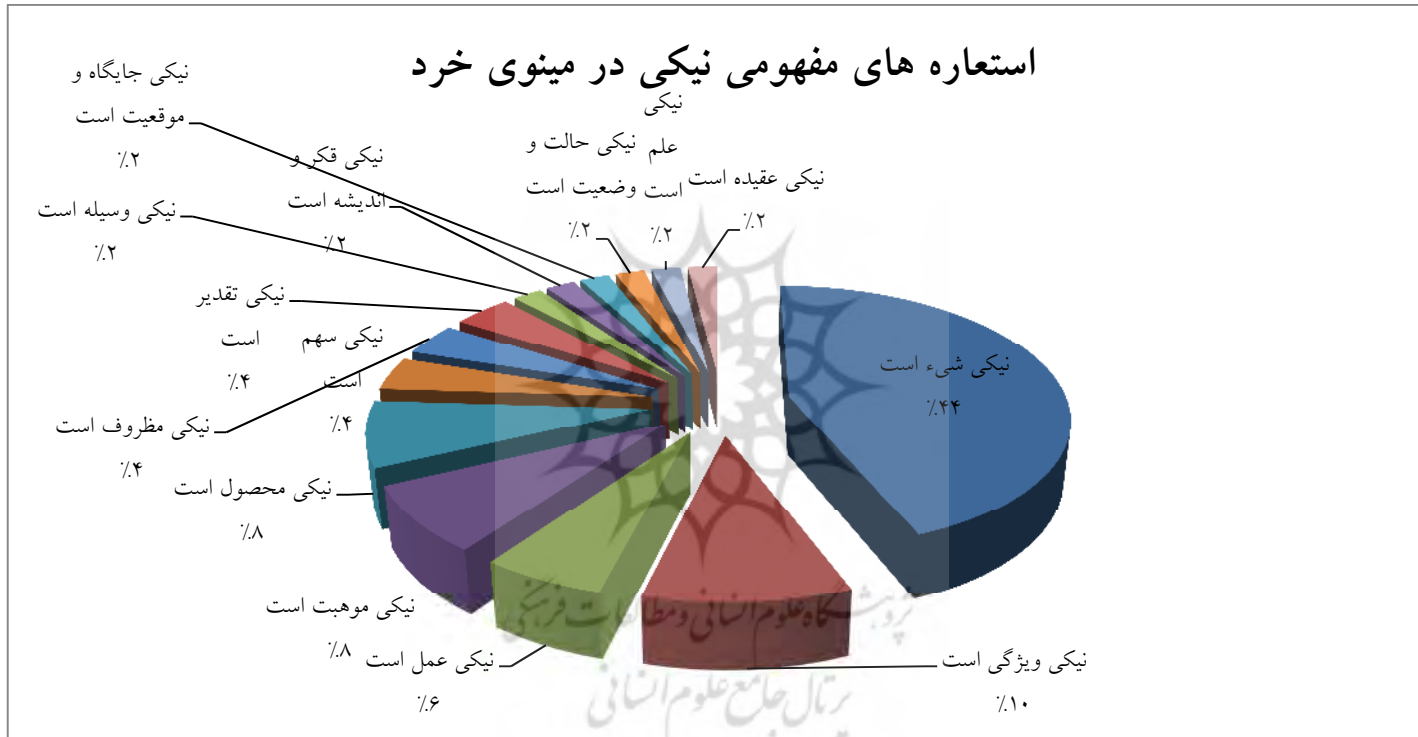
[نیکی محصول است] و [نیکی موهبت است] با ۸٪ در رتبه سوم قرار دارد. پس از آن [نیکی تقدیر است]، [نیکی مظروف است] و [نیکی سهم است] با هرکدام ۴٪ قرار دارند و کم‌ترین کاربرد یعنی ۲٪ استفاده به موارد زیر اختصاص داشت: [نیکی جایگاه و موقعیت است]، [نیکی عقیده است]، [نیکی علم است]، [نیکی حالت و وضعیت است]، [نیکی فکر یا اندیشه است] و [نیکی وسیله است]. در گلستان، [نیکی خصلت است] با ۱۱٪ در رتبه سوم و [نیکی زیورآلات است]، [نیکی سخن و گفتار است] و [نیکی سرمایه و اندوخته است] با ۶٪ رخداد در مرتبه بعدی قرار دارد. [نیکی شیء است]، [نیکی وضعیت است] با ۵٪ رخداد در کمترین بسامد وجود دارد.

در مورد نام نگاشت های شیء، عمل، حالت و وضعیت و ویژگی که در هر دو پیکره مشترک است؛ تفاوت تعداد رخداد قابل مشاهده است بدین صورت که در مینوی خرد [نیکی شیء است] ۴۴٪ رخداد دارد در حالیکه در گلستان ۵٪ رخداد دارد. [نیکی عمل است] در مینوی خرد ۶٪ رخداد دارد در حالیکه در گلستان بیشترین رخداد یعنی ۳۹٪ را دارا است. [نیکی ویژگی است] در مینوی خرد ۱۰٪ و در گلستان ۲۲٪ مشاهده شد و [نیکی حالت و وضعیت است] در مینوی خرد ۲٪ و در گلستان ۵٪ است.

نام نگاشت های [نیکی موهبت است] (۸٪)، [نیکی محصول است] (۸٪)، [نیکی سهم است] (۴٪)، [نیکی مظروف است] (۴٪)، [نیکی تقدیر است] (۴٪)، [نیکی فکر و اندیشه است] (۲٪)، [نیکی جایگاه و موقعیت است] (۲٪)، [نیکی علم است] (۲٪) و [نیکی عقیده است] (۲٪) فقط در مینوی خرد مشاهده شد و نام نگاشت های [نیکی زیورآلات است] (۶٪)، [نیکی سخن و گفتار است] (۶٪)، [نیکی خصلت است] (۱۱٪) و [نیکی سرمایه و اندوخته است] (۶٪) تنها در گلستان سعدی مشاهده شد. (نمودار ۳) (جدول ۳).

شاید بتوان گفت وجود دو نام نگاشت [نیکی موهبت است] و [نیکی تقدیر است] در مینوی خرد، بیش از هرچیز نشان از تفکر تقدیرگرای زروانی رایج در اواخر دوره ساسانی دارد که بر روی نگارنده یا نگارندگان مینوی خرد تاثیر گذاشته است. هم‌چنین به نظر می‌رسد بسامد بالای نام نگاشت [نیکی عمل است] در گلستان نسبت به مینوی خرد، نشان از عملگرایی نگارنده گلستان دارد.

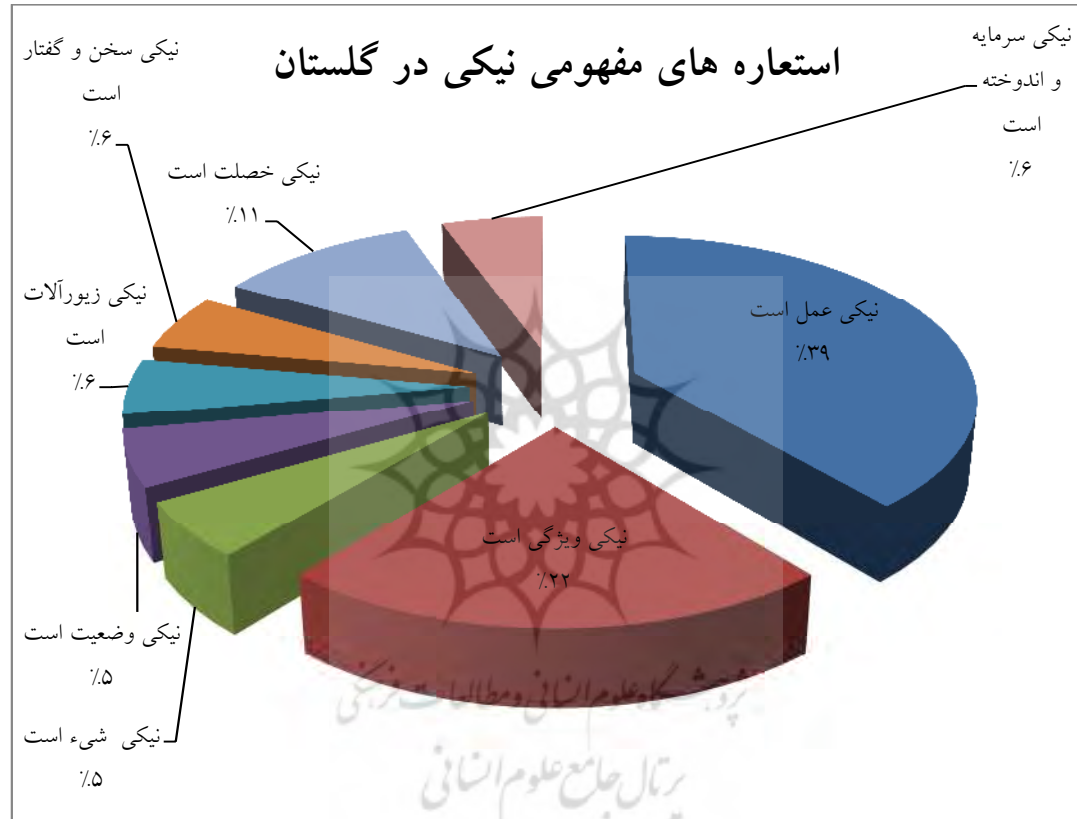
ضمایم (نمودارها و جداول)



نمودار ۱. استعاره های مفهومی نیکی در مینوی خرد (به درصد)

جدول ۱. استعاره‌های مفهومی نیکی در مینوی خرد

نیکی شیء است	نیکی ویژگی است	نیکی محصول است	نیکی عمل است	نیکی موهبت است	نیکی تقدیر است	نیکی مظهر و مظهر است	نیکی سهم است	نیکی علم است	نیکی فکر یا اندیشه است	نیکی جایگاه و موقعیت است	نیکی حالت و وضعیت است	نیکی عقیده است	نیکی وسیله است	نام‌نگاشت
%۴۴	%۱۰	%۸	%۶	%۸	%۴	%۴	%۴	%۲	%۲	%۲	%۲	%۲	%۲	مجموع رخداد در کل پیکره

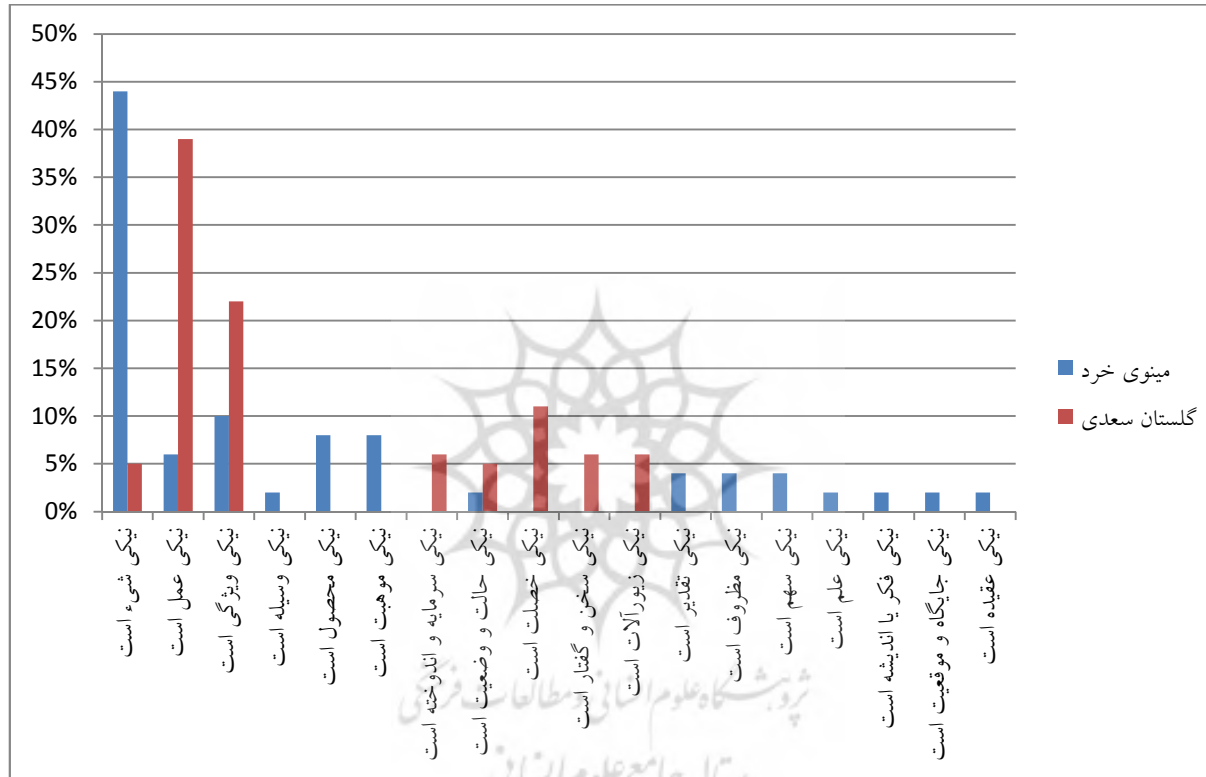


نمودار ۲. استعاره‌های مفهومی نیکی در گلستان (به درصد)

تحلیل استعاره نیکی در مینوی خرد و ... (آناهیتا پرتوی و دیگران) ۱۰۱

جدول ۲. استعاره‌های مفهومی نیکی در گلستان

نیکی (خیر) عمل است	نیکی (خیر) سرمایه و اندوخته است	نیکی (خیر) ویژگی است	نیکی (خیر) وضعیت است	نیکی (خیر) خصلت است	نیکی (خیر) تشبیه است	نیکی (خیر) سخن و گفتار است	نیکی (خیر) زیورآلات است	نام نگاشت
۳۹٪	۶٪	۲۲٪	۵٪	۱۱٪	۵٪	۶٪	۶٪	مجموع رخداد در کل پیکره



نمودار ۳. مقایسه استعاره های مفهومی نیکی در مینیوی خرد و گلستان

تحلیل استعاره نیکی در مینوی خرد و ... (آناهیتا پرتوی و دیگران) ۱۰۳

جدول ۳. مقایسه استعاره های مفهومی نیکی در مینوی خرد و گلستان

[نیکی شیء است]	[نیکی عمل است]	[نیکی ویژگی است]	[نیکی وسیله است]	[نیکی محصول است]	[نیکی موهبت است]	[نیکی سرمایه و اندوخته است]	[نیکی حالت و وضعیت است]	[نیکی خصلت است]	[نیکی سخن و گفتار است]	[نیکی زیورات است]	[نیکی تقدیر است]	[نیکی منظور است]	[نیکی سهم است]	[نیکی علم است]	[نیکی فکر یا اندیشه است]	[نیکی جایگاه و موقعیت است]	[نیکی عقیده است]	نام متن
%۴۴	%۶	%۱۰	%۲	%۸	%۸	%۰	%۲	%۰	%۰	%۰	%۴	%۴	%۴	%۲	%۲	%۲	%۲	مینوی خرد
%۵	%۳۹	%۲۲	%۰	%۰	%۰	%۶	%۵	%۱۱	%۶	%۶	%۰	%۰	%۰	%۰	%۰	%۰	%۰	گلستان سعدی

کتاب‌نامه

- افراشی، آزیتا (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بختیاری، محمود و اشرف سراج (۱۳۹۵). «استعاره‌های مفهومی در شاهنامه فردوسی». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی. به کوشش آزیتا افراشی. نشر نویسه پارسی: تهران، صص: ۱۰۹-۱۲۸.
- پرتوی آناهیتا؛ سهیل سعادت‌نی نیا و نادیا حاجی پور (۱۳۹۸). «استعاره‌های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه». دو فصلنامه ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای. دوره ۱. شماره ۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۱۶-۳۶.
- تباری، فاطمه (۱۳۹۴). «استعاره‌های مفهومی خشم در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۴۸). *واژه‌نامه مینوی خرد*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، احمد (۱۳۵۴). *مینوی خرد*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تفضلی، احمد (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران، انتشارات سخن.
- تقفی، عشرت (۱۳۹۶). «تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی شجاعت در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای». پایان‌نامه دکتری. دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- حامدی شیروان، زهرا و شریفی، شهلا (۱۳۹۴). «بررسی استعاره‌های شناختی و مدل شناختی خشم و کینه در پنج داستان از شاهنامه فردوسی»، مجموعه مقاله‌های همایش مخاطب‌شناسی شاهنامه و شعر حماسی فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- دالوند، یاسر (۱۳۹۹). *مینوی خرد*، با مقدمه سیروس شمیسا، تهران: نشر کتاب سده.
- دیلمقانی، سارا (۱۳۹۵). «بررسی تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی: متن سمک عیار». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی به کوشش آزیتا افراشی، نشر نویسه پارسی: تهران، صص: ۷۷-۵۵.
- سراج، اشرف و محمود بختیاری (۱۳۹۷). «استعاره‌های مفهومی حوزه اخلاق در شاهنامه فردوسی: رویکرد شناختی». پژوهش‌نامه اخلاق، س ۱۱، ش ۴۰، صص ۱۲۷-۱۴۱.
- شریفی مقدم، آزاده، آزادیخواه، مریم و وحیده ابوالحسنی زاده (۱۳۹۶). «مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی». نشریه زبان‌پژوهی، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۶ دی ۱۳۹۶، شناسه دیجیتال (DOI: 10.22051/jlr.1330.15235.2018)

تحلیل استعاره نیکی در مینوی خرد و ... (آناهیتا پرتوی و دیگران) ۱۰۵

- صفوی، کوروش (۱۳۸۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، تهران: سوره مهر.
- فرهودی، مصطفی (۱۳۹۲). «اخلاق در دین زرتشت از منظر مینوی خرد»، دوفصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی پژوهشگاه علوم و حیانی معراج، سال دوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۲. صص ۸۷-۱۰۳.
- فضائلی، سیده مریم و ابراهیمی، شیما (۱۳۹۳). «بررسی استعاره های مفهومی احساس «غم» در شعر مسعود سعد سلمان». نشریه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال چهارم، شماره ۱۳: صص ۸۰-۶۵.
- قاسمی، آزاده (۱۳۹۴). «بررسی استعاره های مفهومی و طرحواره های تصویری واژه غم در اشعار فریدون مشیری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- قاسمی، حسین؛ محمد عارف امیری، نادیا حاجی پور و آناهیتا پرتوی (۱۳۹۶). «استعاره مفهومی "غم" در اشعار ملاعلی فاخر». مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری. ج ۲. مازندران: انتشارات شفلین. صص ۲۷-۵۰.
- قوچانی، بیتا؛ آزیته، افراشی و سید مصطفی عاصی (۱۳۹۵). «استعاره های مفهومی حوزه ترس: در زبان فارسی: رویکردی شناختی و بیکراهی». مجموعه مقالات نخستین همایش معناشناسی شناختی با کوشش آزیته افراشی، نشر نویسه پارسی: تهران، صص: ۲۰۱-۲۲۶.
- کوشکی، فاطمه (۱۳۹۸). *مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» در زبان فارسی: رویکردی شناختی، در زمانی و بیکراهی*. پایان نامه دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلستان سعدی (۱۳۷۴). *بکوشش دکتر خلیل خطیب رهبر*. تهران، انتشارات صفا علیشاه.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۵۶). *دایره المعارف فارسی*. ج ۲. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- ملکیان، معصومه و ساسانی، فرهاد (۱۳۹۳). «مفهوم‌سازی خشم در زبان فارسی». نشریه پژوهش های زبان شناسی، سال ششم، شماره ۲، (صص: ۳۷-۵۶).
- مولودی، امیرسعید، کریمی دوستان، غلام حسین و بی جن خان، محمود (۱۳۹۴). «کاربست رویکرد بیکره بنیاد تحلیل الگوی استعاری در زبان فارسی: مطالعه حوزه مقصد خشم». پژوهش های زبانی. سال ششم، شماره ۱، (صص: ۹۹-۱۱۸).
- نصیریان، یدالله (۱۳۸۰). *علوم بلاغت و اعجاز قرآن*، تهران: سمت.
- همتی، طاهره؛ مریم شوقی و کامیار جولایی (۱۳۹۵). «استعاره های مفهومی حرکت در زبان فارسی: یک تحلیل بیکره مدار». مجموعه مقالات رویکردی شناختی به بازنمود حرکت در زبان فارسی به کوشش آزیته افراشی، نشر نویسه پارسی: تهران، صص: ۱۷۳-۱۹۳.

- Jäkel, O. (2002). Hypotheses revisited: The cognitive theory of metaphor applied to religious texts. *Metaphorik. De*, 2(1), (pp 20-42).
- Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). The metaphorical structure of the human conceptual system. *Cognitive science*, 4(2), (pp 195-208).
- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought* (pp. 202–251).
- Montgomery, M., Durant, A., Fabb, N., Furniss, T., & Mills, S. (2007). *Ways of reading: Advanced reading skills for students of English literature*. London: Routledge.
- Moradi, M. R. and Pirzad Mashak. Shahrzad. (2013). "A comparative and contrastive study of sadness conceptualization in Persian and English". *English Linguistic Research*, Vol.2, (pp107-112).
- Saeed, J. (1997). *Semantics*. Oxford. Blackwell.

